

بررسی اثر تورش‌های رفتاری بیش‌اطمینانی، کوتاه‌نگری و خوش‌بینی بر اجتناب مالیاتی

مهدی میرزادزارع*، مهدی مشکی میاوقی**، سید مظفر میربرگک کار***

چکیده

مدیران به دلیل عوامل عاطفی، خوش‌بینی، عقلانیت محدود، محدودیت زمانی، قضاوت و عوامل اجتماعی، سوگیری‌های رفتاری مختلفی از خود نشان می‌دهند که می‌تواند اثرات منفی بلندمدتی بر سرمایه‌گذاران و شرکت داشته باشد. از دیدگاه سهامداران؛ فرار از پرداخت مالیات نه تنها قابل توجه است بلکه می‌تواند مطلوب نیز باشد. از سوی دیگر دولت برای دستیابی به توسعه اقتصادی کشور باید بتواند هزینه‌های جاری خود را از محل درآمدهای مالیاتی تأمین کند. این در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد که به دلایلی نظیر اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد پایینی از منابع درآمدی کشور را تشکیل می‌دهد و همین موضوع سبب می‌گردد که اهمیت مطالعات مربوط به اجتناب مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن بیشتر آشکار شود. بدین منظور پژوهش حاضر به مطالعه بررسی اثر تورش‌های رفتاری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. پس از اعمال محدودیت‌های هدفمند، تعداد ۹۵ شرکت (۹۵۰ مشاهده) در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ از بین جامعه آماری انتخاب شده و روابط بین متغیرها به کمک با استفاده از داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تورش‌های بیش

* دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

** دانشیار مالی، گروه حسابداری و مالی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

*** استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

نویسنده مسئول: مهدی مشکی میاوقی

m_meshki@pnu.ac.ir

اطمینانی و کوتاه بینی مدیریت دارای رابطه مستقیم و معنی دار با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی است در حالیکه تورش خوش بینی اثر معکوس بر متغیر مزبور دارد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، تورش‌های رفتاری، بیش اطمینانی، خوش بینی، کوتاه‌نگری

مقدمه

درآمدهای مالیاتی یکی از پایدارترین منابع جهت تأمین هزینه‌های حاکمیتی دولت‌ها می‌باشند. بنابراین عجیب نیست که مالیات، بعنوان هزینه ای تحمیلی از جانب دولت بر تمام واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از دیرباز موضوع مطرحی در جوامع بوده و توجه نهادها و افراد مختلف را به خود جلب کند. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها در تلاشند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات در صورت لزوم، بسته به وضعیت از آنها استفاده کنند و این ابزارها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. بنابراین، یکی از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. منظور از اجتناب مالیاتی، هر گونه تلاش قانونمند در جهت کاهش مالیات پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات و یا یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است. (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). از آنجایی که هزینه مالیات سود خالص شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات خود بکار می‌برند. در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌هاست. ویژگی جانشین‌بدهی بودن یکی از دلایلی است که شرکت‌ها فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند. به سخنی دیگر، صرفه جویی مالیاتی شرکت‌ها که از فعالیت اجتناب از پرداخت

مالیات حاصل می‌شود، می‌تواند برای تأمین مالی پروژه‌های شرکت استفاده شود (خواجه‌وی و دیگران، ۱۳۹۵). از طرفی اگر استراتژی‌های انتخابی توسط مدیر نتواند انتظارات سهامداران از سودآوری شرکت را برآورده نماید، آنگاه این انگیزه برای مدیر ایجاد خواهد شد که با استفاده از راهکارهای دیگر نظیر اجتناب مالیاتی، سعی در رساندن سودآوری شرکت به حد مورد انتظار سهامداران نماید چرا که اگر مدیران نتوانند ارزش شرکت را افزایش دهند، سهامداران جدید حتماً مدیران را برکنار و مدیران مورد نظر خود را جانشین آنها خواهند کرد. مدیریت قادر است از اجتناب مالیاتی به عنوان یک سپر استفاده نموده و اصولاً از انگیزه لازم نیز برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار می‌باشند. طبق نظریه نمایندگی، رفتار مدیریت و فعالیت‌هایی که او ممکن است در راستای اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهد، می‌تواند منجر به تصمیم‌های مالیاتی با هدف کاهش مالیات و تعقیب منافع شخصی مدیر شود. دامنه چنین رفتاری از دستکاری در سود شرکت تا تعیین پاداش بیش از اندازه مدیران می‌تواند متغیر باشد.

عقلایی بودن انسان به عنوان پیش فرض اصلی نظریه‌های مالی نئوکلاسیک، تا اواخر قرن بیستم میلادی پارادایم حاکم بر بازارهای مالی بود. موضوعی که در دهه‌های اخیر و به طور عمده با ورود مباحث روان‌شناسی به حوزه اقتصاد و مالی به چالش کشیده شد و مالی رفتاری به تدریج به گفتمان غالب در میان نظریه پردازان حوزه مالی تبدیل شد. وضعیت کلی شرکت نتیجه مستقیم تصمیمات مدیران و حسابداران شرکت‌ها است و باتوجه به این که این افراد نیز عوامل انسانی هستند در تصمیمات خود دچار قضاوت‌ها، احساسات و خطاهایی هستند که به آن سوگیری یا تورش‌های رفتاری گویند. سوگیری‌های رفتاری نظیر بیش‌اطمینانی، کوتاه‌نگری و خوش‌بینی می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست شده و نتایج اقدامات مدیران و در نتیجه وضعیت کل شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. بسیاری از پژوهش‌ها در چارچوب ادبیات مالی رفتاری مدرن نشان می‌دهند که سوگیری‌های رفتاری، بر اثرگذاری اجتناب مالیاتی نقشی مهم ایفاء می‌کند. (چایز و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران عامل دارای سوگیری‌های رفتاری از موقعیت و نفوذ خود در شرکت‌های خود برای دستیابی به جاه طلبی‌های شخصی استفاده می‌کنند که می‌تواند با سیاست‌های مالیاتی تهاجمی، پرداخت مالیات کمتر و غیره همراه باشد (گارسیا و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات نشان می‌دهند که درآمدهای مالیاتی سهم بسیار

ناچیزی از منابع درآمدی کشور را تشکیل می‌دهد؛ که در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی از جمله عواملی است که باعث شده تا درآمدهای مالیاتی کشورها از آنچه که برآورد شده کمتر باشد و در این راستا، اهمیت مطالعات مربوط به بحث اجتناب مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن بیش از پیش نمایان می‌گردد (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین پرداختن به موضوع تورش‌های رفتاری و اثری که می‌تواند بر سیاست‌های مالیاتی شرکتها داشته باشد از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس هدف این تحقیق مطالعه اثر سوگیری‌های رفتاری مدیریت بر سیاست‌های مالیاتی آنها و بررسی نقشی است که چنین سوگیری‌هایی ممکن است در میزان و زمان پرداخت مالیات از سوی شرکتها (تحقق درآمدهای مالیاتی دولت) داشته باشد.

در ادامه ساختار مقاله به این ترتیب خواهد آمد؛ ابتدا مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش و فرضیه‌های برگرفته از مبانی نظری و پیشینه و روش پژوهش بیان شده است. بخش بعد مدل آزمون فرضیه، متغیرهای پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود. در بخش پایانی نیز پس از بیان نتایج پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادها خواهد آمد.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

اقتصاد رفتاری یک حوزه بسیار گسترده است که به همه تصمیم‌های انسان درباره مدیریت منابع می‌پردازد و مالی رفتاری یکی از زیرمجموعه‌های اقتصاد رفتاری است که بیشتر به تصمیم‌های انسان‌ها در بازارهای مالی توجه دارد. دانش مالی رفتاری در سطح کلان، نظریه‌های مالی کلاسیک به ویژه تئوری بازار کارای سرمایه را به چالش می‌گیرد. در سطح خرد، مالی رفتاری به دنبال آن است که نشان دهد در دنیای واقعی، رفتار سرمایه‌گذاران با عقلایی بودن اقتصاد نئوکلاسیک سازگاری ندارد. رفتار «غیرعقلایی» در ادبیات مالی رفتاری در نقطه مقابل «عقلایی بودن» در مالی کلاسیک قرار نمی‌گیرد، بلکه منظور از رفتار غیرعقلایی، رفتاری است که با ویژگی‌های عقلایی تعریف شده به طور کامل انطباق ندارد، یا از آن فاصله می‌گیرد (پمپین، ۱۳۹۷). در مالی رفتاری خرد با موضوعی به نام «سوگیری یا تورش»^۱ بسیار مواجه هستیم. گرایش افراد به خطا در قضاوت

بر پایه عوامل روانشناختی را تورش شناخت می‌نامند. در نگاه اقتصادی و مالی متعارف هدف اصلی از معرفی تورش‌های رفتاری جلوگیری از خطای انسان اقتصادی در فعالیت‌های مالی و اقتصادی به منظور پیش‌گیری از زیان مالی یا کاهش سود و بازده است. مرور ادبیات در حوزه مالی رفتاری نشان می‌دهد که رفتارهای شخصی مدیران بر خط‌مشی‌ها و سیاست‌های شرکت تأثیر قابل توجهی می‌گذارند. در واقع مدیران به دلیل عوامل احساسی، عقلانیت محدود، محدودیت زمانی، قضاوت و عوامل اجتماعی از خودشان سوء‌گیری‌های رفتاری نشان می‌دهند، که این عوامل می‌تواند در بلندمدت آثار ناگواری برای سرمایه‌گذاران و شرکت در پی داشته باشد. همچنین با توجه به مفاهیم تئوری نمایندگی باید اذعان نمود که مدیران در خصوص افزایش ارزش شرکت پاسخگو می‌باشند و مالکین نیز در صدد ارزیابی مدیران و کارگزاران هستند و علاقه مندند تا بفهمند مدیران چگونه و از چه طریق به اهداف تعیین شده دست می‌یابند. در این بین ممکن است از منظر سهامداران؛ فریب دولت و گریز از پرداخت مالیات، نه تنها توجیه پذیر باشد؛ بلکه مطلوب و پسندیده هم واقع شود. مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی می‌تواند ابزاری برای ذخیره مالیات و کاهش هزینه‌های شرکت و به تبع آن، افزایش ثروت سهامداران باشد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

مدیران قادرند از اجتناب مالیاتی به عنوان یک سپر استفاده نمایند. طبق نظریه نمایندگی، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منجر به تصمیم‌های مالیاتی شود که در راستای تعقیب منافع شخصی، دامنه آن از دستکاری سود شرکت تا پاداش بیش از اندازه در شکل‌های مختلف متغیر است (فروغی و همکاران، ۱۳۹۵). مسئله نمایندگی مفاهیم اجتناب مالیاتی را تأیید می‌کند ولی این موضوع بدین مفهوم نیست که اجتناب مالیاتی همیشه به افزایش ثروت سهامداران بیرونی منجر شود (حاجیان نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). به طور کلی دو دیدگاه در مورد فعالیت‌های اجتناب از مالیات وجود دارد: نخست این که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را انجام می‌دهند. بنابراین در این دیدگاه از منظر سهامداران اجتناب از پرداخت مالیات افزایش دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای بکار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شده و پاداش بگیرند. دوم اینکه به جدایی مالکیت از مدیریت تأکید دارد و بیان می‌کند که ماهیت پیچیده و غیرشفاف فعالیت‌های

اجتناب مالیاتی، فرصتی را برای مدیریت فراهم می‌کند تا در دستیابی به اهداف فرصت طلبانه خود گام بردارد. بنابراین اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از تئوری نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند (برزگر و دیگران، ۱۳۹۹). در مجموع پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا تورش‌های رفتاری منتخب بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر معنی دار دارند؟

مدیریت به دلیل اینکه اختیار و قدرت زیادی در تصمیم‌گیری دارد، نقش عمده‌ای در تعیین استراتژی و عملکرد شرکت بازی می‌کند. تمایلات شخصی، سلیق و احساسات مدیران می‌تواند بر سیاست‌های انتخابی و رویه‌های سازمان تأثیرگذار باشد. بیش اطمینانی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار مدیران می‌تواند منجر به تصمیماتی گردد که عملکرد شرکت را از بین ببرد. بسیاری از پژوهش‌ها در چارچوب ادبیات مالی رفتاری مدرن نشان می‌دهند که عوامل احساسی و خطای شناختی مانند سوگیری‌های رفتاری، بر اثرگذاری اجتناب مالیات نقشی مهم ایفاء می‌کند. (چایز و همکاران، ۲۰۱۴) یکی از فراگیرترین این سوگیری‌ها، بیش اطمینانی است که سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زند و احساس کند بر مسائل و رویدادها کنترل دارد در حالی که ممکن است در واقعیت این گونه نباشد. مدیران عامل مسئول شکل‌دهی، تأیید و نظارت بر استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالی آتی شرکت‌ها هستند و ادبیات موافق است که هیئت مدیره و مدیران عامل مسئولیت کلی استراتژی‌های مالیاتی شرکت، از جمله تعیین درجه اجتناب از مالیات را بر عهده دارند (دارابی، ناطقی رستمی، ۱۴۰۱). بر همین اساس فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تعریف شده است:

- تورش بیش اطمینانی بر اجتناب از پرداخت مالیات اثر معنی دار دارد.

سوءگیری رفتاری مدیران از نظر خوش بینی و کوتاه بینی باعث می‌شود تا عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی بیشتر تشدید شود. زیرا طبق تئوری نمایندگی، مدیران برای دستیابی به اهداف و مواضع خویش به شفاف سازی اطلاعات مالی نمی‌پردازند. مدیران خوش بین به طور سیستماتیک احتمال نتایج خوب را بیش از حد ارزیابی می‌کنند و به طور معنی داری احتمال نتایج بد که از کاستی رفتار آنها سرچشمه می‌گیرد را کم اهمیت جلوه

می‌دهند. در این حالت مدیران به دلیل خوش بین بودن نسبت به رویدادهای آتی، اقداماتی به منظور شفاف سازی اطلاعات مهم و اثرگذار در صورت‌های مالی انجام نمی‌دهند. درست همانند مدیر کوتاه بین که بیشتر به اهداف و عملکرد کوتاه مدت می‌نگرد و از شفاف سازی اطلاعاتی که بر روی سرمایه‌گذاری بلندمدت مؤثر واقع می‌شوند، خودداری می‌کند. بنابراین درک و اهمیت رفتارهای شخصی مدیران از نظر خوش بینی و کوتاه بینی بر شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها قابل بسزا است. زیرا، شفافیت اطلاعات مالی یک عامل کلیدی در تصمیمات تخصیص بهینه سرمایه، رشد اقتصادی و ارزش یک شرکت است که تحت تأثیر رفتارها و انگیزه‌های شخصی مدیران قرار می‌گیرد. (امیری و دیگران، ۱۳۹۷) اصطلاح شفافیت در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارایه اطلاعات است. اطلاعات شفاف را می‌توان به عنوان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست. ارایه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات حقه دولت خواهد شد. (عباس زاده و دیگران، ۱۳۹۵) بنابراین فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش را بصورت زیر تعریف شده است:

- تورش کوتاه‌نگری بر اجتناب از پرداخت مالیات اثر معنی دار دارد.

- تورش خوش‌بینی بر اجتناب از پرداخت مالیات اثر معنی دار دارد.

پیشینه

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از سوگیری‌های رفتاری مدیریت، بیش‌اطمینانی است که به معنی اعتماد بیش از حد شخص به توانایی‌ها، قدرت پیش‌بینی و ادراک اطلاعاتی و دانش شخصی است که به عنوان یکی از تورش‌های رفتاری می‌تواند بر تصمیم‌گیری او اثرگذار باشد. پیشینه تجربی تحقیق و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که مدیران بیش‌اطمینان، مخارج سرمایه‌ای بیشتری داشته باشند و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند. به سبب انجام سرمایه‌گذاری بالا در مخارج سرمایه‌ای، هزینه‌های استهلاک و نیز هزینه‌های عملیاتی دیگر افزایش یافته و این موضوع به نوبه خود منجر به کاهش سود و هزینه مالیات و در نتیجه افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. ایلابویا و آرونومان (۲۰۲۲) و بیویانته و همکاران (۲۰۲۲) هر دو در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که مدیریت با اعتماد به نفس بیش از حد، تأثیر منفی و معنادار بر نرخ موثر مالیاتی شرکت‌ها داشته و در نتیجه منجر به افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. پژوهش انجام شده توسط ربیعی و فتوحی فستمی (۱۴۰۲) نیز

اثر بیش اطمینانی را بر افزایش مخارج سرمایه‌ای و انجام سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد (کاهش کارایی سرمایه‌گذاری) نشان می‌دهد. طاهری و جلیلی (۱۴۰۲) به مطالعه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و تبیین رابطه آن با بیش اطمینانی مدیران و ویژگی‌های کمیته حسابرسی پرداختند و یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که مطابق با پیش‌بینی نظریه نمایندگی بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، رابطه معناداری وجود دارد. یعنی شرکت‌های دارای مدیران بیش اطمینان، از اجتناب مالیاتی بیشتری برخوردارند. همچنین، نتایج نشان داد ویژگی‌های کمیته حسابرسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت را تضعیف می‌کند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که خوش‌بینی مدیریت از وضعیت سودآوری آتی شرکت و عدم استقبال از سیاست‌های محافظه‌کارانه می‌تواند باعث افزایش انتظارات سرمایه‌گذاران از روند سودآوری آتی شرکت شده و مدیریت خوش بین جهت پاسخ به انتظارات سرمایه‌گذاران سعی در دستکاری و اعمال مدیریت سود افزایشی می‌کند. بیش‌نمایی سود می‌تواند منجر به افزایش هزینه مالیات و در نتیجه کاهش اجتناب مالیاتی شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تحقیق از وجود رابطه منفی بین خوش‌بینی مدیریت و اجتناب مالیاتی حمایت می‌کند. در این رابطه پاک‌مرام و بیری (۱۳۹۷) نشان دادند که خوش‌بینی مدیریت بر نرخ موثر مالیاتی اثر مستقیم و معنی‌داری دارد که این موضوع به معنای وجود رابطه معکوس بین خوش‌بینی و اجتناب مالیاتی است. همچنین مدیریت ممکن است با اتخاذ رویکردهای کوتاه‌بینانه و عدم سرمایه‌گذاری لازم در مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی، منافع زودگذر و اندک فعلی را به منافع بلندمدت شرکت ترجیح داده و این موضوع به نوبه خود به کاهش سودآوری و ارزش شرکت منجر می‌شود. کاهش سود منجر به کاهش هزینه مالیات و در نتیجه افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. بر این اساس مطالعات انجام شده وجود رابطه مثبت بین کوتاه‌نگری و اجتناب مالیاتی را تایید کرده است. مدبری و جعفرزاده بی‌شک (۱۳۹۸) پس از بررسی تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر استقلال هیئت مدیره دریافتند که کوتاه‌بینی و نیز بین بیش اطمینانی مدیران بر اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج بررسی حسینی چگنی، حقه‌گو و رحمانی نژاد (۱۳۹۳) نشان داد که بین تورش‌های کوتاه‌نگری، خوداسنادی، توان‌پنداری و دیرپذیری با تصمیمات سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران در بورس تهران رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی و مدل مفهومی

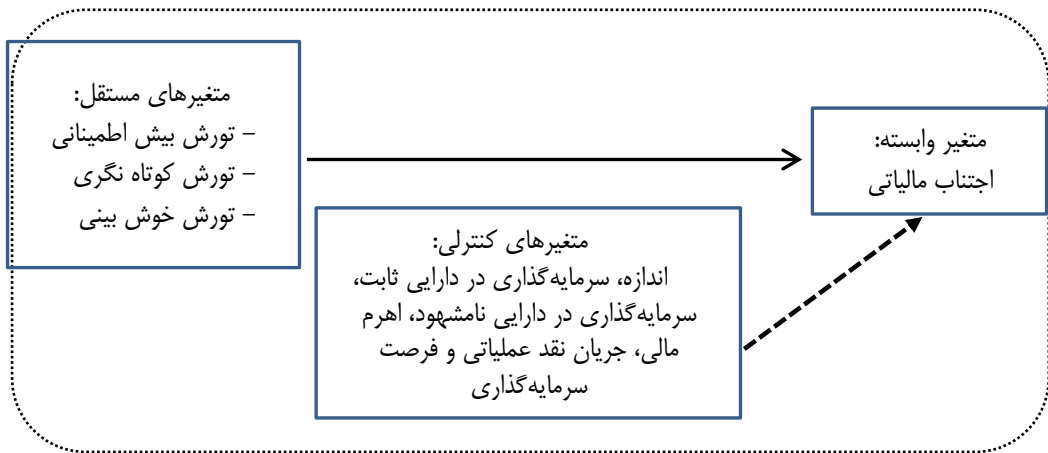
پژوهش حاضر از نظر نتیجه اجرای آن، از نوع کاربردی، از دیدگاه ماهیت داده‌ها، کمی، از لحاظ منطق اجرا، قیاسی - استقرایی، از بعد زمانی، پس رویدادی، از جهت روش و ماهیت، از نوع توصیفی و همبستگی و در نهایت از دید روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از نوع آرشویی است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت‌های نمونه از میان شرکت‌های فعال در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۱ لغایت ۱۴۰۰ و بر اساس روش انتخاب هدفمند مشخص گردید (جدول ۲). در نهایت پس از بررسی و اعمال شرایط مدنظر، تعداد ۹۵ شرکت (۹۵۰ مشاهده) به عنوان نمونه در دوره زمانی پژوهش انتخاب گردید. اطلاعات لازم شرکت‌ها از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین و پایگاه رسمی اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار و سایت کدال گردآوری شد. در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Eviews و جهت برآورد ضرایب متغیرها از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی استفاده شده است.

جدول ۱: جدول انتخاب نمونه

تعداد	شرح
۳۸۲	کل شرکت مورد بررسی در ابتدای دوره تحقیق
(۷۴)	مؤسسات مالی و واسطه‌گری، هلدینگ، سرمایه‌گذاری و لیزینگ
(۶۵)	شرکت‌های اخراج شده در طول دوره تحقیق
(۱۲۳)	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند نیست یا در طول دوره تحقیق سال مالی یا موضوع فعالیت خود را عوض کرده اند
(۷)	حقوق صاحبان سهام منفی نباشد
(۱۸)	شرکت‌هایی که حداقل پنج سال از ده سال دوره تحقیق سود آور نبوده اند
۹۵	نمونه آماری

بر اساس دیدگاه‌های عنوان شده در مبانی نظری و تجربی پژوهش، الگوی مفهومی

پژوهش مطابق با شکل ۱، قابل ارائه است:



شکل ۱: مدل مفهومی (یافته‌های پژوهشگر)

مدل‌های رگرسیونی آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، بر اساس پژوهش چایز^۲ و همکاران (۲۰۱۴) از مدل رگرسیونی چند متغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است:

(۱): مدل آزمون فرضیه اول (بیش اطمینانی):

$$\text{TaxAv}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overcon}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \beta_6 \text{intangible}_{i,t} + \beta_7 \text{M/T}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

(۲): مدل آزمون فرضیه دوم (کوتاه‌نگری):

$$\text{TaxAv}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Myopia}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \beta_6 \text{intangible}_{i,t} + \beta_7 \text{M/T}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

(۳): مدل آزمون فرضیه دوم (خوش‌بینی):

$$\text{TaxAv}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Optimism}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \beta_6 \text{intangible}_{i,t} + \beta_7 \text{M/T}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

در روابط فوق:

TaxAv، اجتناب مالیاتی، Overcon، بیش اطمینانی، Myopia، کوتاه‌نگری، Optimism، خوش‌بینی، CFO، جریان نقد عملیاتی، PPE، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، SIZE، اندازه شرکت، LEV، اهرم مالی، MT، فرصت رشد و Intangible سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود می‌باشد.

متغیرها

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

در این پژوهش اجتناب مالیاتی^۳ به عنوان متغیر وابسته در مدل تحقیق استفاده شده است. اجتناب مالیاتی فعالیتی است که مدیریت با استفاده از اختیارات خود اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختنی می‌نماید. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار آنها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی خواهند بود (شکراللهی و همکاران، ۱۳۹۶). فرهنگ لغت آکسفورد اجتناب مالیاتی را چنین تعریف می‌کند: "تنظیم امور مالی اشخاص جهت حداقل سازی بدهی مالیاتی در راستای قانون" (فیلهو^۴، ۲۰۱۴).

در ادبیات مالی و حسابداری، برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، معیار منحصر به فردی وجود ندارد که مقبول همه باشد؛ در این تحقیق به پیروی از کار دسای (۲۰۰۶) و دارماپالا^۵ (۲۰۰۹) و نیز نمازیان و دیگران (۱۴۰۱) از تفاوت دفتری مالیات ($BTD_{i,t}$) یعنی تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات EBT) و سود مشمول مالیات استفاده شده است که به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است که از طریق رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\text{Tax avoid}_{i,t} = \frac{\text{Accinc}_{i,t} - \text{Taxinc}_{i,t}}{\text{Assets}_{i,t-1}}$$

در رابطه فوق Tax avoid ، تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t : $\text{Taxinc}_{i,t}$ ؛ سود حسابداری شرکت i در سال t : $\text{Accinc}_{i,t}$ ؛ سود مشمول مالیات شرکت i در سال t و Assets : کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ می‌باشد. اختلاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات، اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد. افزایش مقدار تفاوت سود قبل از مالیات و سود مشمول مالیات، نشان دهنده سطح بالایی از اجتناب مالیاتی است. به عبارت دیگر این نسبت با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم دارد و افزایش آن به معنای اجتناب مالیاتی بالاتر است (فخاری و طهماسبی، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است که سود مشمول مالیات را می‌توان از تقسیم هزینه مالیات شرکت بر نرخ قانونی

مالیات که در شرکتهای بورسی برابر با ۲۲/۵٪ است (نرخ مالیات ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم و معافیت ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم) به دست آورد. بنابراین تفاوت دفتری مالیات که در این تحقیق به عنوان نماد اجتناب مالیاتی تلقی می‌شود، به طور مستقیم از رابطه زیر قابل محاسبه است:

$$BTD_{i,t} = \frac{EBT - \frac{TAX}{\%22/5}}{Assets_{i,t-1}}$$

متغیرهای مستقل

۱) **تورش بیش اطمینانی**: افراد در مورد توانایی‌هایی از جمله قدرت پیش بینی و ادراک اطلاعاتی و دانش خود اغراق می‌کنند به عبارت دیگر به توانایی‌ها و دانش خویش اعتماد بیش از حد دارند. البته ممکن است تظاهر نکنند یا حتی خود از این احساس درونی غافل باشند. به پیروی از شراند و زچمن^۷ (۲۰۱۱) و احمد و دوئلمن^۸ (۲۰۱۳) برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیریتی از شاخص مزاد سرمایه‌گذاری استفاده شده است. این شاخص میزان سرمایه‌گذاری‌های مزاد در دارایی‌ها را نشان می‌دهد و از باقیمانده رگرسیون به دست می‌آید. اگر باقیمانده رگرسیون بزرگتر از صفر باشد این شاخص برابر یک و به این معناست که در آن شرکت بیش از حد سرمایه‌گذاری شده است و در غیر اینصورت برابر صفر می‌باشد. استفاده از این شاخص بر این مبناست که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به همتای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. که این موضوع می‌تواند نشان دهنده اطمینان بیش از حد مدیران به عملکرد خود باشد.

$$Asset.Gr_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 Sale.Gr_{j,t} + \epsilon_{j,t}$$

$Asset.Gr_{j,t}$: رشد داراییهای شرکت j در سال t که از تفاوت میزان تغییرات داراییها نسبت به سال گذشته شرکت قابل محاسبه می‌باشد و $Sale.Gr$ رشد فروش شرکت j در سال t که از تفاوت میزان تغییرات فروش نسبت به سال گذشته شرکت به دست می‌آید (عرب صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

۲) **تورش کوتاه‌نگری**: تورش کوتاه‌نگری یک گرایش رفتاری در انسان است که افراد را برمی‌انگیزاند تا به جای اینکه برای فردا پس‌انداز کنند، امروز خرج کنند. رفتارهایی که درباره مالیات وجود دارد، مثال رایجی در این زمینه است. تورش کوتاه‌نگری را می‌توان

به صورت یک تعارض بین میل افراد به مبالغه کردن در مورد خود و ناتوانی آنها نیز توصیف کرد (پمپین، ۱۳۹۷). در این پژوهش برای اندازه‌گیری مقدار کوتاه‌بینی (کوتاه‌نگری) از مدل‌های پژوهش اندرسون و سیائو (۱۹۸۲) استفاده شده است. در پژوهش آنها شرکت‌هایی که به طور همزمان بازدهی بیش از حد مورد انتظار و هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه کمتر از حد طبیعی را گزارش می‌کنند، به احتمال زیاد مشمول ویژگی مدیریت کوتاه‌بینانه خواهند بود. برای شناسایی و تعیین شرکت‌های کوتاه‌بین، ابتدا لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در دوره زمانی تحقیق با استفاده از روابط زیر برآورد کرد.

$$ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

$$Mktg_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Mktg_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

$$R\&D_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده داراییها، $Mktg_{i,t}$: نسبت هزینه‌های بازاریابی و فروش به جمع دارایی‌ها و $R\&D_{i,t}$: نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به جمع دارایی‌ها می‌باشد. پس از محاسبه مقادیر مورد انتظار (برآوردی) بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه‌های تحقیق و توسعه با استفاده از مدل‌های فوق، مقادیر واقعی با مقادیر پیش‌بینی شده توسط مدل‌های فوق مقایسه شده و با توجه به میزان تفاوت موجود ($\varepsilon_{i,t}$)، شرکت‌ها در چهار گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌شوند.

گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴
اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش‌بینی شده و واقعی	اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش‌بینی شده و واقعی	اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش‌بینی شده و واقعی	اختلاف منفی بین بازده دارایی پیش‌بینی شده و واقعی
اختلاف منفی هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده و واقعی	فقط اختلاف یکی از هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه منفی	اختلاف مثبت هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده و واقعی	-

در این گروه‌ها، شرکت‌های حاضر در گروه ۱ به عنوان شرکت‌های دارای مدیریت کوتاه‌بین در نظر گرفته می‌شوند؛ چراکه با داشتن عملکرد مثبت مالی و افزایش بازده

دارایی‌ها، هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه شرکت کاهش یافته است. بدین ترتیب، در این پژوهش اندازه‌گیری متغیر کوتاه‌بینانه به صورت مجازی (۱ و ۰) است. شرکت‌هایی که در طبقه یک قرار گرفتند عدد یک را اختیار کردند و برای مابقی عدد صفر در نظر گرفته شده است (فدایی نژاد و دلشاد، ۱۳۹۷). در انتها باید اضافه کرد که این طبقه بندی برای هر یک از سال‌های تحقیق جداگانه انجام شده است.

۳) تورش خوش بینی^۳: خوش بینی در حوزه مالی به این معنی است که مدیر به طور سیستماتیک نتایج آینده یک رویداد را بیش از حد ارزیابی می‌کند. مدیر به دلیل اطمینان بیش از خود ممکن است از تعصب خود، آگاه نباشد، در ذهن خود، ناخواسته صورت‌های مالی را بیش از حد خوش‌بینانه، غلط و غیر واقعی ارائه دهد. مطالعات نشان می‌دهد که خوش بینی مدیریت منبع اصلی تحریفات شرکت‌ها است، زیرا محققان معتقدند که مدیران اجرایی کاملاً منطقی رفتار نمی‌کنند (امیری و همکاران، ۱۳۹۷). برای اندازه‌گیری خوش بینی مدیریت از اختلاف سود پیش‌بینی شده هر سهم با سود واقعی هر سهم استفاده شده است. این متغیر به صورت مجازی (۱ و ۰) است. اگر مقدار سود پیش‌بینی شده بیشتر از سود واقعی باشد عدد یک در غیر صورت عدد صفر لحاظ شده است. مازاد سود پیش‌بینی شده به سود واقعی، می‌تواند نشان از خوش بینی مدیریت از عملکرد آتی شرکت باشد. (امیری و همکاران ۱۳۹۷). از آنجایی که از بهمن ماه سال ۱۳۸۶ سود پیش‌بینی شده توسط شرکت‌های بورسی اعلام نمی‌شود و به جای آن سود هر سهم بر حسب مدل TTM جایگزین شده بنابراین منظور از سود پیش‌بینی شده در این تحقیق همان سود هر سهم بر حسب مدل TTM می‌باشد.

متغیرهای کنترلی. در این پژوهش از متغیرهای زیر به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است:

$SIZE_{i,t}$ = بیانگر اندازه شرکت i در سال t است که از طریق لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

$PPE_{i,t}$ = بیانگر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش دفتری دارایی‌های ثابت بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

$LEV_{i,t}$ = بیانگر اهرم مالی شرکت i در سال t است که از تقسیم کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

$CFO_{i,t}$ = بیانگر منابع نقد حاصل از عملیات شرکت i در سال t است که از تقسیم جریان نقدی عملیاتی بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

$Intangible_{i,t}$ = بیانگر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش دفتری دارایی‌های نامشهود بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

$M/T_{i,t}$ = بیانگر فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال محاسبه می‌شود (عرب صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول ۲، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. این بخش شامل شاخص‌های مرکزی (میانه و میانگین)، شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، بیشینه و کمینه) می‌باشد که شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نسبت اجتناب مالیاتی نشان می‌دهد که به طور متوسط میانگین اختلاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات (استاندارد شده بر حسب دارایی‌های ابتدای سال) که مبنای محاسبه اجتناب مالیاتی در این تحقیق بوده، معادل ۱۰ درصد می‌باشد. میانه متغیر مزبور نیز حاکی از آن دارد که در ۵۰ درصد موارد داده‌های متغیر مزبور بیش از ۰/۰۵۸ و در ۵۰ درصد موارد کمتر از این مقدار بوده است. میانگین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (M/B) برابر با ۴/۸۴۰ می‌باشد، که نشان می‌دهد ارزش بازار سهام منتشر شده به طور میانگین ۴/۸۴ برابر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می‌باشد. نسبت اهرم مالی (LEV) در شرکت‌های نمونه مورد بررسی در حدود ۶۰ درصد بوده که نشان می‌دهد شرکت‌های نمونه در تامین مالی خود بیشتر از استقراض استفاده کرده‌اند. میانگین نسبت جریان‌های نقد عملیاتی به مجموع دارایی‌ها معادل ۰/۱۴۵ مثبت بوده و نشان می‌دهد که در شرکتهای نمونه وجه نقد حاصل از عملیات یکی از منابع مهم تامین مالی شرکتهای محسوب می‌شود. در عین حال بیشترین جریان نقد حاصل از عملیات در حدود ۶۲ درصد دارایی و بیشترین وجه نقد مصرف شده در عملیات

در حدود ۴۰ درصد دارایی‌ها بوده است. همچنین میانگین متغیرهای مجازی بیش اطمینانی، کوتاه‌نگری و خوش بینی نشان می‌دهد که به ترتیب در ۶۷ درصد، ۵۴ درصد و ۳۸ درصد مشاهدات، مدیریت شرکت‌های نمونه افرادی بیش اطمینان، کوتاه‌نگر و خوش بین بوده‌اند.

جدول ۲: آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
TaxAv	۰/۱۰۱	۰/۰۵۸	۰/۶۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸	۱/۷۷۵	۵/۹۷۶
Overcon	۰/۶۰۷	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸۸	-۰/۴۳۹	۱/۱۹۳
Myopia	۰/۲۹۵	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۶	۰/۸۹۴	۱/۸۰۰
Optimism	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۴۶	۱/۰۱۵	۲/۰۳۰
SIZE	۱۵/۲۴۶	۱۴/۸۳۹	۲۱/۸۸۸	۱۰/۳۲۳	۱/۹۴۸	۰/۵۵۶	۳/۰۹۲
PPE	۰/۲۳۸	۰/۲۰۰	۰/۹۱۹	۰/۰۰۶	۰/۱۶۹	۱/۰۰۲	۳/۵۹۶
LEV	۰/۶۰۵	۰/۶۱۳	۰/۹۲۱	۰/۳۶۶	۰/۱۷۸	-۰/۲۰۰	۲/۳۴۲
CFO	۰/۱۴۵	۰/۱۲۱	۰/۶۱۸	-۰/۳۹۹	۰/۱۴۳	۰/۴۴۷	۳/۹۶۰
Intangible	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۳/۰۰۶	۱۳/۵۶۶
M/T	۴/۸۴۰	۲/۹۱۳	۲۱/۳۴۹	۰/۲۹۸	۷/۰۹۶	۷/۹۹۳	۱۷/۶۰۶

آزمون‌های انتخاب مدل

قبل از تخمین ضرایب رگرسیونی، لازم است آزمون‌هایی به منظور تعیین نوع مدل مورد استفاده انجام شود. در صورتی که هدف انتخاب یک مدل مناسب از بین دو مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی باشد، می‌توان از آزمونی به نام آزمون‌ها سمن استفاده نمود. در انتخاب بین مدل رگرسیون تلفیقی و مدل اثر ثابت معمولاً از آزمون چاو استفاده می‌شود. در آزمون چاو، فرضیه صفر بیانگر برابری ضرایب و عرض از مبدأ در شرکت‌های مورد بررسی بوده و از این رو عدم تأیید فرضیه صفر به معنی استفاده از روش داده‌های تابلویی (مدل اثرات ثابت) و پذیرش فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش داده‌های تلفیقی می‌باشد. از آنجا که سطح معنی داری به دست آمده از آزمون F لیمر (چاو) برای مدل‌های پژوهش کوچک‌تر از پنج درصد بوده است (به شرح جداول ۴، ۵ و ۶)، بنابراین جهت برآورد مدل‌ها، از مدل داده‌های تابلویی استفاده شده است. در عین حال جهت انتخاب بین

دو مدل اثرات تصادفی و مدل اثرات ثابت، از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج آزمون‌های انجام شده نیز استفاده از روش اثرات ثابت را برای هر سه مدل استفاده شده تأیید کردند. همچنین قبل از ارایه نتایج یافته‌ها، لازم است فروض کلاسیک رگرسیون به شرح زیر بررسی شوند:

الف. آزمون هم‌خطی متغیرهای توضیحی: به منظور بررسی وجود یا عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به این که مقادیر ضریب همبستگی در کلیه موارد کمتر از ۸۰ درصد بوده است، لذا هم‌خطی شدیدی که نتایج تحلیل رگرسیونی را تحت تأثیر قرار دهد، مشاهده نشد.

ب. آزمون ناهمسانی واریانس: در این پژوهش به منظور بررسی همسانی واریانس‌ها در داده‌های ترکیبی از روش بارتلت استفاده شده است و با توجه به اینکه نتایج نشان‌دهنده در جداول آزمون فرضیه‌ها مقدار احتمال کوچک‌تر از پنج درصد است، می‌توان گفت واریانس خطاها ناهمسان است و برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس خطاها، مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمین زده شده است.

پ. آزمون عدم وجود خودهمبستگی: به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین - واتسون محاسبه و گزارش شده در ذیل جداول آزمون فرضیه بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بوده و استقلال باقیمانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد.

آزمون مانایی. به منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنی دار بودن متغیرها اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای پژوهش گردید (جدول ۳). نتایج آزمون مانایی نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش در سطح ۵ درصد مانا بوده و در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد داشتن متغیرها پذیرفته نمی‌شود.

جدول ۳: نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرها (آزمون مانایی)

PP - Fisher Chi-square		ADF - Fisher Chi-square		Im, Pesaran and Shin W-stat		Levin, Lin & Chu		آزمون متغیر
احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	
۰/۰۰۰	/۷۶۷	۰/۰۰۰	/۳۹۱	۰/۰۲۰	۲/۲۹۷	۰/۰۰۱	-۲/۹۶۲	TaxAv
۰/۰۰۰	/۹۹۳	۰/۰۰۰	/۴۹۷	۰/۰۰۰	۳/۲۰۸	۰/۰۰۰	-۵/۷۸۸	SIZE
۰/۰۰۰	/۸۲۸	۰/۰۰۰	/۳۵۷	۰/۰۲۴	۱/۹۷۰	۰/۰۰۰	-۸/۸۹۴	PPE
۰/۰۰۲	/۱۵۳	۰/۰۰۰	/۷۶۳	۰/۰۰۴	۴/۰۶۴	۰/۰۰۰	۱۱/۱۳۵	LEV
۰/۰۰۰	/۵۸۴	۰/۰۰۰	/۶۵۹	۰/۰۰۰	/۳۵۶	۰/۰۰۰	۱۹/۲۶۲	CFO
۰/۰۰۰	/۶۲۵	۰/۰۰۰	/۹۵۱	۰/۰۰۰	۶/۴۷۰	۰/۰۰۰	۳۱/۲۸۶	Intangib
۰/۰۲۳	/۸۳۶	۰/۰۰۰	/۰۸۵	۰/۰۰۰	۵/۰۴۰	۰/۰۰۰	۲۱/۴۴۵	M/T

تجزیه و تحلیل و بررسی نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول. در جدول ۴ نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی فرضیه اول مبنی بر

اثر معنی دار متغیر اطمینان بیش از حد بر اجتناب مالیاتی با استفاده از نرم افزار Eviews10 ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه اول

$\text{TaxAv}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overcon}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \beta_6 \text{intangible}_{i,t} + \beta_7 \text{M/T}_{i,t} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	Coefficient	خطای استاندارد	آماره t	Prob
Overcon	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	۶/۴۵۷	۰/۰۰۰
SIZE	۰/۰۱۷	۰/۰۰۱	/۲۱۱	۰/۰۰۰
PPE	-۰/۲۲۳	۰/۰۴۳	۵/۱۹۰	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۲۸۲	۰/۰۳۵	۸/۰۲۳	۰/۰۰۰
CFO	۰/۰۷۹	۰/۰۱۴	۵/۴۹۵	۰/۰۰۰
Intangible	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۵	۱/۶۸۹	۰/۰۹۱
M/T	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۷	۲/۷۹۰	۰/۰۰۵
C	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۱/۶۲۷	۰/۱۰۴
ضریب تعیین = ۰/۷۷۸		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۷۵۶		
آماره دوربین واتسون =	آماره آزمون F = ۲۸/۵۹۳	احتمال آزمون F =		
آماره هاسمن = ۰/۰۰۱	آماره چاو = ۰/۰۰۰			

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق نشان می‌دهد که متغیر اطمینان بیش از حد (Overcon) در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای رابطه مستقیم و معنی‌دار با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی می‌باشد (احتمال خطا کمتر از پنج درصد می‌باشد). بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید می‌شود. شاخص نیکویی برازش مدل یعنی مقدار آماره F در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بوده و این موضوع حاکی از اعتبار مدل می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیرهای استفاده‌شده در مدل فوق، ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

فرضیه دوم. در جدول ۵ نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی فرضیه دوم مبنی بر اثر معنی‌دار متغیر کوتاه‌نگری بر اجتناب مالیاتی ارائه شده است. نتایج آزمون فرضیه مزبور نشان می‌دهد که ضریب متغیر مستقل تورش کوتاه‌نگری مثبت بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، فرضیه دوم مبنی بر اینکه تورش کوتاه‌نگری بر اجتناب از پرداخت مالیات اثر معنی‌دار دارد، پذیرفته می‌شود. شاخص نیکویی برازش مدل یعنی مقدار آماره F در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بوده و این موضوع حاکی از اعتبار کلی مدل می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیرهای استفاده‌شده در مدل فوق، ۷۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه دوم

TaxAv _{i,t} = $\beta_0 + \beta_1 Myopia_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 intangible_{i,t} + \beta_7 M/T_{i,t} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	Coefficient	خطای استاندارد	t آماره	Prob
Myopia	۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	۳/۵۶۶	۰/۰۰۰
SIZE	۰/۰۱۸	۰/۰۰۱	۱۲/۴۶۱	۰/۰۰۰
PPE	-۰/۲۲۸	۰/۰۴۴	-۵/۰۱۸	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۲۷۲	۰/۰۳۸	-۷/۰۷۹	۰/۰۰۰
CFO	۰/۰۶۲	۰/۰۱۴	۴/۴۶۳	۰/۰۰۰
Intangible	-۰/۰۶۴	۰/۰۵۵	-۱/۱۵۲	۰/۲۴۹
M/T	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	-۳,۳۱۹	۰/۰۰۰
C	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۱/۴۳۱	۰/۱۵۲
ضریب تعیین = ۰/۷۶۶		ضریب تعیین تعدیل‌شده = ۰/۷۳۸		
آماره دورین واتسون = ۱/۷۵۴	آماره آزمون $F = ۲۷/۴۸۶$		احتمال آزمون $F = ۰/۰۰۰$	
آماره هاسمن = ۰/۰۰۶	آماره چاو = ۰/۰۰۰			

فرضیه سوم. در جدول ۶ نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی فرضیه سوم مبنی بر اثر معنی دار متغیر خوش بینی بر اجتناب مالیاتی ارائه شده است. بر این اساس فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه تورش خوش بینی بر اجتناب از پرداخت مالیات اثر دارد، پذیرفته می‌شود. شاخص نیکویی برازش مدل یعنی مقدار آماره F در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بوده و این موضوع حاکی از اعتبار مدل می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای استفاده شده در مدل فوق، ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه سوم

$TaxAv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Optimism_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 intangible_{i,t} + \beta_7 M/T_{i,t} + \epsilon_{it}$				
متغیر	Coefficient	خطای استاندارد	آماره t	Prob
Optimism	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۳	-۵/۱۱۹	۰/۰۰۰
SIZE	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱	۱۲/۱۸۸	۰/۰۰۰
PPE	-۰/۲۱۶	۰/۰۰۳	-۴/۰۸۸	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۲۴۹	۰/۰۳۶	-۶/۹۵۳	۰/۰۰۰
CFO	۰/۰۶۵	۰/۰۱۵	۴/۲۴۹	۰/۰۰۰
Intangible	-۰/۰۰۴	۰/۰۲۵	-۱/۶۷۷	۰/۰۹۳
M/T	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۰۳	۳/۵۶۲	۰/۰۰۰
C	۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	۱/۷۰۷	۰/۰۸۸
ضریب تعیین = ۰/۷۷۱		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۷۵۲		
آماره دوربین واتسون = ۱/۷۱۰	آماره آزمون F = ۲۷/۶۶۷	احتمال آزمون F = ۰/۰۰۰		
آماره هاسمن = ۰/۰۰۰	آماره چاو = ۰/۰۰۰			

استحکام نتایج

به منظور بررسی بیشتر و انجام آزمون تکمیلی، اقدام به بررسی اثر همزمان هر سه متغیر مستقل در قالب مدل رگرسیونی واحدی شد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۷) ارائه شده است. نتایج حاصل از آزمون همزمان سه فرضیه پژوهش، کاملاً در راستای تایید نتایج آزمون‌های قبلی داشته و همچنان حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنی دار متغیرهای بیش اطمینانی و کوتاه‌نگری و رابطه منفی متغیر خوش بینی با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی است. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی استفاده شده در این

مدل، مجموعاً ۸۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را می‌تواند توضیح و تبیین نماید. همچنان مقدار آماره دوربین واتسون حکایت از عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطای پسماند دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون تکمیلی

TaxAv _{i,t} = β ₀ + β ₁ Overcon _{i,t} + β ₁ Myopia _{i,t} + β ₁ Optimism _{i,t} + β ₂ SIZE _{i,t} + β ₃ PPE _{i,t} + β ₄ LEV _{i,t} + β ₅ CFO _{i,t} + β ₆ intangible _{i,t} + β ₇ M/T _{i,t} + ε _{it}				
متغیر	Coefficient	خطای استاندارد	t آماره	Prob
Overcon	۰/۰۱۶	۰/۰۰۳	۴/۸۹۳	۰/۰۰۰
Myopia	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۲/۱۵۲	۰/۰۳۶
Optimism	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	-۱/۹۷۹	۰/۰۴۸
SIZE	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱	۷/۳۲۷	۰/۰۰۰
PPE	-۰/۱۴۸	۰/۰۳۱	-۴/۶۵۷	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۲۱۵	۰/۰۴۲	-۵/۰۸۹	۰/۰۰۰
CFO	۰/۰۶۹	۰/۰۲۸	۲/۴۵۷	۰/۰۱۴
Intangible	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۷	-۱/۷۸۱	۰/۰۷۵
M/T	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۵	-۲/۵۵۲	۰/۰۱۱
C	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۱/۸۳۶	۰/۰۶۷
ضریب تعیین = ۰,۸۴۱			ضریب تعیین تعدیل شده = ۰,۸۲۳	
آماره دوربین واتسون =	آماره آزمون F = ۲۹,۸۹۷	احتمال آزمون F = ۰,۰۰۰		
آماره هاسمن = ۰,۰۰۰	آماره چاو = ۰,۰۰۰			

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی اثر برخی از تورش‌های رفتاری نظیر خوش‌بینی، کوتاه‌نگری و اطمینان بیش از حد بر اجتناب مالیاتی پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که متغیر بیش‌اطمینانی دارای رابطه مستقیم و معنی‌دار با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی می‌باشد. مدیری که اطمینان بیش از حد دارد، به طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زند یا به بیانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند. بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که اطمینان بیش از حد دارند، مخارج سرمایه‌ای بیشتری

داشته باشند و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند. به سبب این افزایش سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای (دارایی‌های ثابت)، هزینه استهلاک افزایش می‌یابد؛ هزینه‌ای که به سود کمتر و هزینه مالیات کمتر می‌انجامد. همچنین افزایش سرمایه‌گذاری به هزینه عملیاتی بیشتر منجر می‌شود. این افزایش در هزینه‌های عملیاتی سبب می‌شود درآمد مشمول مالیات شرکت کمتر شده و در نهایت، هزینه مالیات شرکت کاهش یابد، موضوعی که در نهایت به معنی افزایش اجتناب مالیاتی است. نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیقات بیویانتهی و همکاران (۲۰۲۲)، ایلابویا و آرونموان (۲۰۲۲)، گارسیا مکا و همکاران (۲۰۲۱)، ربیعی و فتوحی (۱۴۰۲)، دارابی و ناطقی رستمی (۱۴۰۱) و تحقیق طاهری و جلیلی (۱۴۰۲) مطابقت دارد.

نتایج همچنین حاکی از رابطه مستقیم کوتاه‌نگری مدیریت با اجتناب مالیاتی است. شرکت‌هایی که مدیران آنها اقدامات خودخواهانه و ناشی از کوتاه‌بینی دارند جهت برجسته‌نشان دادن عملکرد شرکت در کوتاه‌مدت، فعالیت‌هایی را مدنظر قرار می‌دهند که شرکت در کوتاه‌مدت خوب به نظر برسد (بشیری منش و شهنازی، ۱۴۰۱). تمایل این دسته از مدیران برای سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و تغییر مسیر منابع از پروژه‌های با ارزش آفرینی در بلندمدت به پروژه‌های کوتاه‌مدت با ارزش آفرینی موقت با وجود آنکه ممکن است در کوتاه‌مدت به جهت کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های تبلیغاتی، سود را افزایش دهد اما در بلندمدت دارای اثرات مخرب بر سودآوری شرکت خواهد بود؛ بدین ترتیب که مدیر با اتخاذ رویکردهای کوتاه‌بینانه و عدم سرمایه‌گذاری لازم در مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی، منافع زودگذر و اندک فعلی را به منافع بلندمدت شرکت ترجیح داده و این موضوع به نوبه خود به کاهش سودآوری و ارزش شرکت منجر می‌شود. کاهش سود منجر به کاهش هزینه مالیات و در نتیجه افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیقات امیری و همکاران (۱۳۹۷)، فروغی و همکاران (۱۳۹۵)، ربیعی و فتوحی (۱۴۰۲) و مدبری و جعفرزاده (۱۳۹۸) مطابقت دارد.

در نهایت نتیجه حاصل از آزمون فرضیه‌ها دلالت بر این موضوع دارد که متغیر خوش‌بینی مدیریت دارای رابطه معکوس و معنی‌دار با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی می‌باشد. خوش‌بینی مدیریت از وضعیت سودآوری آتی شرکت و عدم استقبال از سیاست‌های محافظه‌کارانه می‌تواند باعث افزایش انتظارات سرمایه‌گذاران از روند سودآوری آتی

شرکت شده و مدیریت خوش بین جهت پاسخ به انتظارات سرمایه‌گذاران سعی در دستکاری و مدیریت سود افزایشی می‌کند. افزایش سود منجر به افزایش هزینه مالیات و در نتیجه کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیقات امیری و همکاران (۱۳۹۷) و نیز فروغی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در انتخاب شرکت‌ها، به عوامل رفتاری مدیریت توجه خاصی بنمایند؛ زیرا برخی خصیصه‌های مدیریتی در راستای منافع سرمایه‌گذاران نبوده و مدیران سعی بر آن دارند که با عدم شفافیت اطلاعات مالی، آگاهی سرمایه‌گذاران را از محیط اطلاعات داخلی شرکت محروم سازند. با توجه به رابطه مستقیم کوتاه بینی و بیش اطمینانی با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی، به افراد ذینفع از جمله تحلیل‌گران مالی پیشنهاد می‌شود که در تحلیل‌های خود به این موضوع توجه نمایند که اینگونه نیست که اجتناب مالیاتی با فرض اینکه منجر به صرفه جویی نقدی می‌شود، لزوماً علامتی از کارکرد موفق مدیریت باشد. بلکه ممکن است چنین رویدادی ناشی از سیاست‌های اشتباه مدیریت و توجه به منافع کوتاه مدت به جای بلندمدت اتفاق بیافتد و منجر به کاهش سودآوری آتی و نیز ارزش شرکت شود. بنابراین لازم است به منظور بهبود شفافیت گزارش‌های مالی، شاخص‌های مناسبی جهت محاسبه اجتناب مالیاتی طراحی و استفاده شود. همچنین از آنجا که خوش بینی بیش از حد مدیران ممکن است باعث شود که تمایلات آنها برای حداکثرسازی منافع شخصی خویش بیشتر شده و در افشای اطلاعاتی که بر استراتژی مدیریتی آنها خدشه وارد می‌کند تعلل ورزند، بنابراین به نهادهای ناظر نظیر سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا با الزام به برقراری یک سیستم افشاء کارآمد، بر تصمیمات مدیریت شرکتها نظارت اعمال شود تا بدین ترتیب امکان تعقیب منافع شخصی از سوی مدیریت کاهش یافته و در صورت اعمال سیاستهای اجتناب مالیاتی، جهت‌گیری آن در راستای افزایش ثروت سهامداران و نه منافع شخصی آنان باشد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی در کنار موضوع اجتناب مالیاتی از دیگر متغیرهای مرتبط نظیر نرخ ریسک مالیاتی، تهور مالیاتی، و انعطاف‌پذیری مالیاتی نیز استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد تأثیر تورش‌های رفتاری بر اجتناب از مالیات بر ارزش افزوده نیز بررسی گردد. در نهایت با توجه به نمونه انتخابی که محدود به شرکتها و موسسات غیرمالی می‌شود، در تعمیم نتایج به کل شرکتها باید احتیاط شود.

یادداشت‌ها

1. Bias
2. Chyz
3. Tax Avoidance
4. Filho
5. Dharmapala
6. Overconfidence
7. Scherand and Zechman
8. Ahmed & Duellman
9. Myopia
10. Optimism Bias

منابع

- امیری، اسماعیل، خدای پور، احمد، کامیابی، یحیا. (۱۳۹۷). اثر رفتارهای کوتاه بینانه و خوش بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۷ (۲)، ۱۴۱-۱۷۷.
- برزگر، قدرت اله، حسن نتاج کردی، محسن، عباسی، علی. (۱۳۹۹)، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۹ (۳۳)، ۲۵-۴۵.
- بشیری منش، نازنین، شهنازی، حسین. (۱۴۰۱). تأثیر تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران و مدیران بر جاب قیمتی سهام در بازار سرمایه ایران، دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار، ۱۵ (۱)، ۱۵-۳۲.
- پاک مرام، عسگر، بیری، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر خوش بینی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، هفتمین کنفرانس ملی کاربردهای حسابداری و مدیریت در صنایع ایران با رویکرد تدوین و توسعه سنج‌های کسب و کار، دانشگاه تهران.
- پمپین، میشل ام. (۱۳۹۷). دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی، ترجمه احمد بدری، انتشارات کیهان حاجیان نژاد، امین، دانش سرارودی، سید رسول. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری، دانش حسابداری، ۱۰ (۱)، ۱۱۵-۱۳۶.
- حسینی چگینی، الهام، حقگو، بهناز، رحمانی نژاد، لیلا. (۱۳۹۳). بررسی تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران بر مبنای مدل معادلات ساختاری، راهبرد مدیریت مالی، ۲ (۴)، ۱۱۳-۱۳۳.
- خواجوی، شکرالله، ممتازیان، علیرضا، دهقانی سعدی، علی اصغر. (۱۳۹۵). بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی، ۳ (۳)، ۲۳-۴۵.
- دارایی، رویا، ناطقی رستمی، زینب. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی کمیته حسابرسی، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۵ (۷۲)، ۱۹-۳۷.
- ربیعی، خدیجه، فتوحی فشمی، حسن. (۱۴۰۲). ارائه مدل کارایی سرمایه‌گذاری بر اساس

تورش‌های رفتاری مدیران با تأکید بر نقش تمایلات سرمایه‌گذاری، دانش سرمایه‌گذاری،
۱۲ (۴۸)، ۳۸۷-۴۱۴

طاهری، ماندانا، جلیلی، محمد. (۱۴۰۲). اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و تبیین رابطه آن با بیش
اطمینانی مدیران و ویژگی‌های کمیته حسابرسی، *پژوهشنامه مالیات*، ۳۱ (۵۷)، ۲۹-۵۰.
عباس زاده، محمدرضا، مفتونیان، محسن، فدائی، مرتضی، بابائی کلاریجانی، مائده. (۱۳۹۵).

بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه
موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران)، *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۰ (۳۵)، ۴۵-۷۴.
عرب صالحی، مهدی، هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب
مالیاتی، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۱)، ۸۵-۱۰۴.

فاطمی، سیدشعب، فلاح، رضا، سلیمانی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین
تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی، *مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۴ (۳)، ۹۲-۱۰۴.
فخاری، حسین، طهماسبی خورنه، سعید. (۱۳۹۵). بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت
افشای اطلاعات شرکت‌ها با استفاده از سیستم معادلات همزمان (3SLS)، *پژوهشنامه
مالیات*، ۲۴ (۳۲)، ۱۲۵-۱۴۳.

فدایی نژاد، محمداسماعیل، دلشاد، افسانه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کوتاه بینی مدیران بر بازده آتی
سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *چشم‌انداز مدیریت مالی*، ۸
(۲۱)، ۵۱-۶۹.

مدبری، مریم، جعفرزاده بی شک، محمدصادق. (۱۳۹۸). تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر
اجتناب مالیاتی با تأکید بر استقلال هیئت مدیره، *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۲ (۴)،
۱۱۶-۱۳۳.

فروغی، داریوش، زمانی بختیاروند، محمد، طهماسبی، مسلم. (۱۳۹۵). مقایسه روش‌های مختلف
محاسبه اجتناب مالیاتی، *ماهنامه حسابدار*، شماره ۲۹۸، ۳۸-۴۵.

نمازیان، علی، پورحیدری، امید، زینلی، حدیث. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت
حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار
تهران، *فصلنامه راهبرد مدیریت مالی*، ۱۰ (۴)، ۱۷۷-۱۹۶.

Abbaszadeh, M.R., Fadaei, M., Maftounain, M. & Babaei K.M. (2016).
Investigating the relationship between financial transparency and tax
avoidance according to the institutional ownership of companies
(case study of Tehran Stock Exchange companies), *Journal of
Financial Economics*, 10 (35): 45-. [in Persian].

- Ahmed, A. & Duellamann S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*. 51(1): 1-30.
- Amiri, E., Khodamipour, A. & Kamyabi, Y. (2019). The impact of myopic and optimistic management behaviors on the transparency of financial information, *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 7(2): 141-177. [in Persian].
- Arabsalehi, M. & Hashemi, M. (2015). The effect of managerial overconfidence on tax avoidance, *Journal of Accounting and Auditing Review*, 22 (1): 85-10. [in Persian].
- Armstrong, S, C. Blouin, L, J. Larker, F.D. (2012). The Incentives for tax planing. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 53: 391-411.
- Barzegar, G., Hasan nataj kordi, M. & Abbasi, A. (2020), Impact of audit committee characteristics on tax avoidance in the listed companies of the Tehran stock exchange, *Journal of Accounting and auditing studies*, 9(33): 25-45. [in Persian].
- Bashirimanesh, N. & Shahnazi, H. (2022), The impact of investor and managers' behavioral bias on the stock price bubble in capital market of Iran, *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 15(1): 15-32. [in Persian].
- Bivianti, V, Stefani, M. E, & Yuniarsih, N. (2022, April). The effect of executive characteristics (CEO) overconfidence, capital Intensity on tax avoidance. In *International Conference of Business and Social Sciences* (pp. 895-906).
- Chen, Y., Ge, R., Louis, H., Zolotoy, L. (2019). Stock liquidity and corporate tax avoidance. *Review of Accounting Studies*, Volume 24, 309-340.
- Chyz, J. A., Gaertner, F., Kausar, A.& Watson, L. (2014). Overconfidence and aggressive corporate tax policy, *Review of Accounting Studies*, Volume 24, 1114-1145.
- Darabi, R. & Nateghi rostami, Z. (2023). Examining the impact of managers' overconfidence on tax avoidance with regard to the moderating role of the audit committee, *Journal of Accounting and management vision*, 5 (72): 19-37. [in Persian].
- Demerjian, P., Lev, B., McVay, S. (2012). Quantifying management ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- Fakhari, H. & Tahmasbi K., S. (2017), An investigation of the correlation between tax avoidance and disclosure quality in the

- listed companies of Tehran Stock Exchange (TSE) by the Simultaneous Equation Method (3SLS), *Journal of Tax Research*, 24 (32): 125-144. [in Persian].
- Fadaei Nejad., M. E. & Delshad, A. (2018). Investigate the effect of managerial myopia on future stock returns in companies listed on Tehran stock exchange, *Journal of Financial management perspective*, 8(21): 51-69. [in Persian].
- Fatemi, S., Fallah, R. & Maleki Motlagh, A. (2018). The effect of political communication on the relationship between ownership concentration and tax avoidance, *Journal of Management Studies and Accounting*, 4(3): 91-104. [in Persian].
- Filho, Ronaldo de Melo, M. & Cottrol, R. J. (2014). "The ethics of tax avoidance" *School of Business Institute of Brazilian Issues*.
- Forougi, D., Zamani, B. M. & Tahmasbi, M. (2017). Comparison of different methods of calculating tax avoidance, *Journal of Accountant*, 29: 38-45. [in Persian].
- García-Meca, E, Ramon Llorens, M-Camino, Martínez-Ferrero, J. (2021). Are narcissistic CEOs more tax aggressive? The moderating role of internal audit committees. *Journal of Business Research*. 129. 1.
- Hajiannejad, A., Danesh S. & Sayed R. (2019). Effects of agency cost and liquidity on tax avoidance by the use of profitability, *Journal of Accounting Knowledge*, 10(1): 115-136. [in Persian].
- Hanlon, M., And S. Heitzman. (2010). "A Review of tax research" *Journal of Accounting & Economics*, 50(2-3):127-178.
- Hosseini Chegeni, E., Haghgoo, B. & Rahmaninejad, L. (2014). Studying the Relationship between Behavioral Biases of Investors and Their Investment Decisions in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Management Strategy*, 2 (4): 113-133. [in Persian].
- Ilaboya, OJ, & Aronmwan, EJ (2022). Overconfident CEOs and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Management*, 11(2), 70-80.
- Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 7 (11): 4-11.
- Khajavi, S., Momtazian, A. & Dehghani Saadi, A. (2016). An investigate the Impact of Managers Ability on the Avoid Paying Taxes on Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 3 (3): 23-45. [in Persian].
- Modaberi, M. & Jafarzade bishak, M.S. (2019). The impact of managers behavioral features on tax avoidance with emphasis on board independence, *Journal of Financial management strategy*, 2

- (4): 116-133. [in Persian].
- Namazian, A., Pourheidari, O. & Zeinali, H. (2021). Investigating the effect of effective tax rate and quality of corporate governance on tax avoidance in companies listed on the Tehran stock exchange, *Journal of Financial management strategy*, 10 (4): 177-196. [in Persian].
- Pakmaram, A.& Babri, V. (2018). The effect of management optimism on tax avoidance of companies listed in Tehran Stock Exchange, Seventh National Conference on Accounting and Management Applications, Tehran, <https://civilica.com/doc/807545>. [in Persian].
- Pompian, M. (2018). Behavioral Finance & Wealth Management, translated by: Ahmad Badri, Tehran, Keihan Publishing Company press. [in Persian].
- Rabiee, K. & Fotouhi, F. H. (2024). Presenting an investment efficiency model based on managers' behavioral biases with emphasis on the role of investment sentiment, *Journal of Investment Knowledge*, 12 (48): 387-414. [in Persian].
- Scherand, C.M. and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 7 (11): 4-11.
- Taheri, M. & Jalili, M. (2023). Tax avoidance and its relationship with manager overconfidence and audit committee characteristics, *Journal of Tax Research*, 31 (57): 29-50. [In Persian].